

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

ادامه بحث بيع عصير عنب:

بحث در بيع عصير عنب، در صورتی که غلیان پیدا بکند و «لم يذهب ثلثاه» بود. چون عرض کردیم که اگر عصير عنب غلیان پیدا نکند مسلم بيعش جایز است. اگر غلیان پیدا بکند و ذهاب ثلثین بشود باز بيعش جایز است. اما در فرضی که عنوان نجاست را دارد، فرضی است که غلیان پیدا می‌کند و دو ثلث او از بین رفته و ذهاب ثلثین نشده است. بحث حرمت و بحث نجاست عصير عنب را در جلسه قبل عرض کردیم. و بنا بر این که این عصير عنب اگر غلیان پیدا بکند و دو ثلث او از بین نرود می‌خواهیم ببینیم که آیا بيعش جایز است یا نه؟ برخی از فقهاء فرموده‌اند محل کلام در آنجایی است که بوسیله آتش غلیان پیدا می‌کند، اما اگر بنفسه غلیان پیدا کرد، باز حکم خمر را دارد، همانطوری که بيع خمر جایز نیست، بيع عصير عنب «اذا غلا بنفسه» این هم جایز نیست.

فرمایش مرحوم آقای خوئی قدس سره :

مرحوم آقای خوئی در کتاب مصباح الفقاهة فرموده‌اند: محل کلام در عصير عنب (که آیا بيعش جایز است یا جایز نیست) آنجایی است که «غلا بالنار» به سبب آتش غلیان پیدا بکند، اما اگر بنفسه غلیان پیدا کرد این حکم خمر را دارد. این بحث مبتنی است بر این که در بحث نجاست و حرمت ما بگوییم که آیا اگر بنفسه غلیان پیدا کرد خمر هست یا نه؟ در روایاتی که در باب عصير وارد شده است عمدتاً مسأله غلیان بالنار مطرح است.

اما غلیان بغير نار حکم خمر را دارد و در حرمت، نجاست و عدم جواز بيع تمام احکام خمر را دارد. و همانطوری که در باب خمر، خمر تا مادامیکه خل نشود، مادامی که سرکه نشود آنجا مسأله بيع و... مطرح نمی‌شود، عصير عنب «اذا غلا بنفسه» تا ما دامیکه خل نشود بيعش جایز نیست. بعبارت أخرى مسأله ذهاب ثلثین را که مطرح می‌کنیم در جایی است که غلیان بالنار است، با آتش غلیان پیدا می‌کند، تا مادامی که ذهاب ثلثین نشده نجس است، خوردنش هم حرام است و ذهاب ثلثین این را پاک می‌کند و بيعش هم صحیح است. اما آنجایی «اذا غلا بنفسه» ذهاب ثلثین مطرح نیست آنجا مادامی که تبدیل به خل نشود بيعش جایز نیست.

پس روشن شد طبق روایاتی که در مانحن فیه داریم این موضوع غلیان، غلیان «بالنار» است. حالا می‌خواهیم ببینیم يك عصير عنب که به نار غلیان پیدا کرده و ذهاب ثلثین نشده است، آیا بيعش جایز است یا نه؟ در این فرض نجاست مطرح است، حرمت مطرح است، و احتمال سوم این است که بگوییم مالیت ندارد. اگر بتوانیم این سه مانع را جواب بدهیم مسأله حل می‌شود. قبل از این که مسأله نجاست را عنوان کنیم، برای این که بيع عصير عنب «اذا غلا بالنار» آیا صحیح است یا صحیح نیست؛ اول باید از نظر قواعد بحث کنیم بعد از نظر روایات خاصه‌ی که در خصوص عصير عنب وارد شده است بحث بکنیم.

اما از نظر قواعد:

قبلاً مکرر بیان کردیم، که اولاً: خود نجاست من حیث هی هی مانعیت ندارد. اگر يك منفعت محلله‌ی بر عین نجس مترتب باشد بیعش جایز است.

ثانیاً: دلیل بر این که شیء نجس را نمی‌توان مورد معامله قرار داد این تعبیری است که در روایت تحف العقول وجود دارد که: «او شیء من وجوه النجس» یا شیء از عناوین نجاسات. اگر کسی سند روایت تحف العقول را نپذیرد نوبت به استدلال به متن نمی‌رسد؛ اما ما که سند روایت تحف العقول را پذیرفتیم، حالا ما این عبارت «او شیء من وجوه النجس» را چطوری معنا کنیم؟ عصیر عنب – اذا غلا بالنار و لم يذهب ثلثاه – این نجس، آیا این مصداق برای «او شیء من وجوه النجس» نیست؟ ما می‌گوییم نه، مصداق برای او نیست؛ چرا نیست؟

دو وجه دارد، يك وجه این است که ظاهر این عبارت «او شیء من وجوه النجس» یعنی شیء که حقیقتاً نجس است، نه نجاست عرضی دارد؛ لذا اگر یادتان باشد در بحث بیع متنجس گفتیم به این تعبیر روایت تحف العقول نمی‌شود استدلال کرد، «او شیء من وجوه النجس» یعنی آنی که حقیقتاً از مصادیق نجس است. اما اینجا عصیر عنب که حقیقتاً نجس نیست، يك نجاست موقتی و عارضی دارد. عصیر عنب قبل از غلیان طاهر است، و در حین غلیان و قبل از این که ثلثین او از بین برود نجس است، ثلثینش که از بین رفت دو مرتبه همین مایع، همین عصیر پاک می‌شود.

باز در این عبارت «او شیء من وجوه النجس» این نکته را عرض کنم که در ادامه روایت آمده است: «لان ذلك كله منهی أكله أو شربه» این منهی ظهور در نهی مطلق دارد، نه نهی – فی حالة دون حالة – دم اكل و شربش مطلقاً نهی برایش وارد شده است، بول و غائط و میتة نهی وارد شده است، اما در عصیر عنب می‌گوییم قبل از غلیان می‌شود خورد، بعد از غلیان و بعد از ذهاب ثلثین باز می‌شود خورد، لذا در باب عصیر عنب نهی بصورت مطلق نداریم. اما حرمت: می‌گوییم: «عصیر عنب اذا غلا و لم يذهب ثلثاه حرام» این صغری، کبری چیست؟ «ان الله اذا حرم شیئاً حرم ثمنه». پس معامله‌اش بخاطر حرمت جایز نیست، اینجا بحث نجاست نیست، می‌گوییم عصیر عنب این چنینی حرام و کبری «ان الله اذا حرم شیئاً حرم ثمنه» پس اینجا باید معامله‌اش حرام باشد.

جواب، اولاً: برخی قبول ندارند که سند این روایت نبوی درست باشد.

دوماً: بر فرض این که سند این روایت درست باشد، این عبارت «ان الله اذا حرم شیئاً» را گفتیم ظهور دارد در آن منفعتی که حرام است، یعنی اگر کسی بخواهد خمر یا بول را بخاطر آن منفعت محرمه‌اش بفروشد، اما اگر يك منفعت محلله‌ی داشته باشد اشکال ندارد. ما در متن این روایت، و در فقه الحديث این روایت به این نتیجه رسیدیم ان الله اذا حرم شیئاً حرمت معامله بر آن را، به همان جهتی که منفعت محرمه دارد؛ اگر این را بفروشد بخاطر آن منفعت محرمه‌اش حرام است و معامله‌اش باطل. اما اگر به جهات منافع محلله باشد این اشکالی ندارد.

ثالثاً: ان الله اذا حرم شیئاً شامل حرمت ذاتی می‌شود و عصیر عنبی حرمت ذاتی ندارد، بلکه حرمت عرضی دارد. نجاست و حرمت خیلی مهم نیست، آنچه که مهم است مسأله مالیت است، برخی گفته‌اند که آیا این عصیر عنبی وقتی نجس و حرام شد مالیت ندارد و در چیزی که مالیت منتفی است خرید و فروشش معنا ندارد، برای این که اكل مال به باطل می‌شود؛ و چیزی که مالیت ندارد اگر شما بفروشید و در مقابلش پول بگیرید اكل مال به باطل می‌شود.

مالیت عصیر عنب از نظر شیخ :

اولاً در این رابطه مرحوم شیخ انصاری در کتاب مکاسب می‌فرماید: به نظر ما مال است، کی گفته مال نیست؟ برای این که عصیر عنب قبل از آنی که غلیان پیدا کند مال بوده و بعد از این که غلیان پیدا کرد و لم يذهب ثلثاه، ما شك می‌کنیم مالیتش از بین رفت یا نه؟ استصحاب بقاء مالیت می‌کنیم؛ می‌گوییم يك زمانی مال بود حالا شك می‌کنیم مالیت دارد یا ندارد؟ استصحاب

می‌کنیم بقاء مالیت را.

می‌گوییم شاید نجاست و حرمت مالیت این را از بین برده؛ می‌فرماید اصل این است که به سبب نجاست از مالیت خارج نمی‌شود و بعد فرموده که بلی این مالٌ اَمّا وقتی نجس می‌شود يك مال معیوب است، عیب پیدا کرده است، و می‌فرماید: شاهد بر این که این مال است اینکه اگر غاصبی آمد عصیر عنب را غصب کرد، بعد از غصب رفت او را با آتش در او غلیان ایجاد کرد و شد «مغلی» حالا که شد مغلی الان آیا عین همین را باید به مالك برگرداند؟ یا بگوییم نه، حالا که غلیان پیدا کرده است، این از مالیت خارج شده است و در حکم تالف است؛ شیخ می‌فرماید نه، اگر غاصبی عصیر عنب را غصب کرد و برد او را غلیانش داد این از مالیت خارج نمی‌شود.

مرحوم شیخ اینجا سه حکم دارد، می‌فرماید: (1) وجب رده - با این که غلیان در او ایجاد کرده است خود عصیر را باید برگرداند. (2) و وجب غرامة الثلثین. و غرامت دو ثلث را هم باید پرداد، چون بالاخره این الان بدرد نمی‌خورد تا زمانی که دو ثلثش از بین برود. (3) باید اجرت العمل ذهاب ثلثین را هم بدهد؛ غاصب آمده عصیر عنب را از خانه این آقا دزدیده برده دو دقیقه آتش زیر او روشن کرده يك غلیانی به وجود آمده. در يك روایتی هم دارد که از امام سؤال می‌کنند غلیان چیست؟ امام (ع) می‌فرماید: غلیان این است که «عصیر اسفله اعلی، اعلاه اسفله» غلیان در آن به وجود آورده است منتها هنوز لم یذهب ثلثاه، حالا می‌خواهد برگرداند به مالك، مالك باید پول بدهد به يك نفری که این را ببرد تا ذهاب ثلثین بشود، پس این غاصب هم باید خود مال را رد کند، هم باید غرامت الثلثین را بدهد، این عصیر عنب سه کیلو بوده بعد از غلیان و ذهاب ثلثین می‌شود يك کیلو، پس باید پول آن دو کیلوی دیگر را هم بدهد، غرامت اجرت العمل را هم به مالك پرداد.

اشکالات مرحوم ایروانی بر شیخ:

مرحوم ایروانی با این که سن کمی داشت و ظاهراً در سن 45 سالگی از دنیا رفتند، امّا این حاشیه‌ی با این عظمت را از خودش به جای گذاشته است، و ایشان بر بسیاری از مطالب مرحوم شیخ اشکال می‌کنند، که برخی از این اشکالات در عبارات بزرگان دیگر هم آمده است، منتها نگفته‌اند که این را مرحوم ایروانی گفته است. اولین اشکال این است که شمای مرحوم شیخ که می‌فرمایید باید غرامت الثلثین را بدهد، چرا غرامت الثلثین باید بدهد؟ چه بسا بعد از آنی که این عصیر عنب دو ثلثش از بین رفت، چه بسا قیمت بیشتر بشود؛

بعبارت اخری ایشان می‌فرماید: اگر در اینجا بعد از ذهاب ثلثین قیمتش کم بشود، بگوییم سه کیلو بوده سه هزار تومان، حالا که شده يك کیلو قیمت آن شده هزار تومان، اینجا باید غرامت الثلثین را بدهد. امّا ممکن است بعد از ذهاب ثلثین قیمتش بیشتر بشود، و قیمت آن يك کیلو بشود پنج هزار تومان، دیگر آن اجرت العمل داخل در این می‌شود، چه وجهی دارد که بیاید اینجا غرامت الثلثین را بدهد؟ باز بعبارت اخری می‌فرماید: اگر بخواهیم بگوییم ضامن است، ضامن ما به التفاوت بین عصیر مغلی و عصیر غیر مغلی است، اگر کم می‌شود، اگر قیمتش يك مقداری کم شد باید ما به التفاوت را بدهد، تازه باید ما به التفاوت بدهد نه غرامت الثلثین را؛

الان اگر يك کسی سه کیلو عصیر عنب دارد، غاصب آمده غصب کرده و برده غلیان در او بوجود آورده و دو ثلثش از بین رفته، سه کیلو عصیر کیلوی هزار تومان می‌شود سه هزار تومان، روی بیان شیخ این يك کیلو که باقی مانده است باید رد کند به مالکش دو هزار تومان هم باید به مالك برگرداند؛ چون می‌گوید غرامت الثلثین، امّا مرحوم ایروانی می‌فرماید نه، اقوا این است که این ضامن ما به التفاوت بین عصیر مغلی و غیر مغلی است، یعنی چه؟ یعنی اگر در اینجا این غلیان پیدا کرد، قبلاً سه هزار تومان بود بعد از این که ثلثینش رفت اگر نقصان پیدا کرد شد دو هزار و پانصد تومان، این مابه التفاوت 500 تومان را باید پرداد.

این در صورتی است که نقصان پیدا کند عبارت این است می‌فرماید: «بل وجب دفع تفاوت قیمت العصیر مغلیاً و غیر مغلی ان

نقص بالغلیان» اگر با غلیان قیمتش کم بشود، بعد فرموده ظاهر این است که قیمت نه تنها کم نمی‌شود بلکه چه بسا اضافه هم بشود، یعنی این سه کیلو که سه هزار تومان بود الان شده يك کیلو ممکن است که يك کیلو قیمتش چهار هزار تومان باشد.

اشکال دوم: نسبت به استصحاب است که شما ملاحظه بفرمایید. اشکال سوم: مرحوم شیخ در مکاسب بین آنجایی که عصیر عنب بنفسه غلیان پیدا می‌کند و خمر می‌شود و بین جایی را که با آتش غلیان پیدا می‌کند يك فرقی را بیان می‌کند که باز به آن فرق هم اشکال می‌کنند.

حاشیه مرحوم ایروانی در سه جلد چاپ شده است در جلد اول صفحه 45 به بعد را ملاحظه کنید تا ما اشکالات مرحوم ایروانی را ببینیم که آیا درست است یا نه؟ و بعد از آن به بررسی روایات خاصه می‌پردازیم.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین.